

مطالعه تطبیقی شرط اسقاط انجام برخی معاملات در شرکت های سهامی در حقوق ایران و

فرانسه

چکیده

یکی از ارکان شرکت های سهامی، به مانند سایر شرکت ها، مدیران آن شرکت است. اصلی ترین وظیفه ایشان، حفظ امانت داری و رعایت منافع کلیه سهامداران است. در این راستا، مواد ۱۲۹ و ۱۳۲ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ در مورد شرکت های سهامی، مدیران این شرکت ها را از انجام معاملات معینی با شرکت را منع کرده است و برای انجام آن معاملات، ضمانت اجراهایی را نیز در نظر گرفته است. انجام معاملات مدیران با شرکت سهامی را می توان یکی از مهم ترین مصادیق شرط اسقاط حق انجام معامله به طور جزئی دانست. اولین مصداق، معاملات اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن ها باشند، است که در ماده ۱۲۹ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ پیش بینی شده است. دومین مصداقی که در قانون مزبور آمده است، ممنوعیت تحصیل وام یا اعتبار از شرکت و تضمین یا تعهد دیون مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره توسط شرکت است که در ماده ۱۳۲ این قانون ذکر شده است و سومین مصداق انجام معامله مشابه با شرکت توسط مدیران و مدیرعامل که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، است. در حقوق فرانسه نیز شاهد مقررات مشابهی هستیم. قانونگذار فرانسوی نیز مواد ال. ۳۸-۲۲۵ تا ۴۳-۲۲۵ قانون تجارت اصلاحی سال ۲۰۰۱ را به چنین معاملاتی و ضمانت اجرای آن اختصاص داده است. بحث اصلی این است که قلمرو اشخاص مشمول و ماهیت چنین معاملاتی چیست و چه ضمانت اجراهایی در حقوق این دو کشور پیش بینی شده است. بر این اساس، موضوع این نوشتار حاضر تحلیل ماهیت این شروط و ضمانت اجرای آن در حقوق کشورهای مورد بحث است و با روش کتابخانه ای و مطالعه تطبیقی- تحلیلی به این بحث می پردازد.

واژگان کلیدی: اسقاط حق، منع رقابت، حق انجام معامله، معامله مشابه با شرکت.

مقدمه:

مدیران شرکت های سهامی، رکنی از ارکان سه گانه آن محسوب می شوند. بدین معنا که مدیران جزء ساختمان و سازمان شخص حقوقی هستند و به مثابه اندام یا عضوی که اعلام کننده اراده شخص حقوقی اند، دیده می شوند. (نقرشی و اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۵، ص. ۳۵) همین رکن بودن باعث ایجاد مسئولیت های مدنی و کیفری برای آن ها می شود. (صالحی، مهرگان، رضایی فومنی، ۱۴۰۳، ص. ۲۵۱) صرف نظر از نظریاتی که در مورد شخصیت حقوقی شرکت های تجاری ارائه شده است، (سلیمان زاده، ۱۴۰۴، ص. ۸۰) در زمینه معاملات مدیران با شرکت سهامی، قانونگذار سختگیری های زیادی را انجام داده است. علت این سخت گیری ها را می توان رعایت حقوق اشخاص ثالث، موقعیت امانی مدیران ناشی از به امانت بودن اموال شرکت نزد مدیران و جلوگیری مدیران از موقعیت غالب و برتر خود در شرکت دانست. (حسن زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۵) بحث اساسی این است که ماهیت این نوع معاملات به لحاظ مدنی چیست؟ آیا از سنخ سلب حق به طور کلی است یا جزئی؟ برابر نظر حقوقدانان، اگر اسقاط حق انجام معامله به صورت محدود و جزئی به زمان، موضوع یا شخص معین باشد، صحیح و معتبر است. (حبیبی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۱-۲۳۲) اساساً این شرط (سلب حق به طور جزئی) دارای منفعت عقلایی است و برای محدود کردن مشروط علیه از لحاظ مدت یا موضوع خاص یا شخص معین در قرارداد درج می شود. چنین شرطی در قالب شرط نتیجه صحیح است و باعث می شود به نفس اشتراط در عقد اصلی و بدون نیاز به انجام عملی اضافی، حاصل شود. (امامی، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۸-۲۸۹) اگر حصول این چنین شرطی نیازمند عملی اضافی باشد، این شرط اسقاط حق در معنای واقعی خود نخواهد بود و نوعی شرط فعل است که پس از تحقق نیازمند فعلی جداگانه است. (شهیدی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۴) انجام معاملات مدیران با

شرکت سهامی را می توان یکی از مهم ترین مصادیق شرط اسقاط حق انجام معامله به طور جزئی دانست. اولین مصداق، معاملات اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن ها باشند، است که در ماده ۱۲۹ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ پیش بینی شده است. دومین مصداقی که در قانون مزبور آمده است، ممنوعیت تحصیل وام یا اعتبار از شرکت و تضمین یا تعهد دیون مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره توسط شرکت است که در ماده ۱۳۲ این قانون ذکر شده است و سومین مصداق انجام معامله مشابه با شرکت توسط مدیران و مدیرعامل که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، است. در حقوق فرانسه نیز شاهد مقررات مشابهی هستیم. این مصادیق و تحلیل ماهوی آن ها موضوع این نوشته را تشکیل می دهد. سوال اصلی این است که این ممنوعیت ها و محدودیت ها، چه ماهیتی دارد و چه اشخاصی را در بر می گیرد. در شرکت های تجاری اسقاط حق انجام معامله بر حسب اینکه در اساسنامه و یا مصوبات مجامع یا هیئت مدیره آمده باشد می تواند با حقوق اشخاص ثالث که با شرکت طرف معامله می شوند و حسب ظاهر حق دارند تا به اختیارات مدیران اعتماد و با آنها وارد معامله شوند، در تعارض آشکار است. از سوی دیگر ضمانت اجرای تخلف از انجام شرط مزبور می تواند موجب مسئولیت مدنی مدیران در برابر سهامداران یا شرکا و شرکت نیز باشد. نوشته حاضر در پی آن است تا با بررسی و تحلیل و تطبیق در حقوق ایران و فرانسه، ماهیت این شروط را در حقوق این دو کشور بررسی کند و ضمن ارائه تحلیل صحیح از شرط یاد شده در شرکت های سهامی به بیان آثار و ضمانت اجرای نقض شرط و به ویژه بررسی آثار وضعی معامله که برخلاف شرط مزبور انجام شده باشد، پردازد. در این راستا، به بررسی حقوق ایران و فرانسه می پردازیم و با مطالعه ای تطبیقی سعی در ارائه تحلیلی جامع از این شروط خواهیم داشت.

این نوشته در پی پاسخ به این سوال است که ماهیت حقوقی شرط اسقاط حق انجام معامله در شرکت های تجاری اعم از اینکه به موجب اساسنامه یا خارج از آن مقرر شده باشد، چیست و ضمانت اجرای تخلف از آن در برابر شرکت، سهامداران یا شرکا و اشخاص ثالث چه مواردیست؟ در نگاه اول و به عنوان فرضیه می توان گفت که با توجه به مبانی حقوقی حاکم بر موضوع، شرط اسقاط حق انجام معامله، شرط صحیح است و ضمانت اجرای تخلف از آن بطلان معامله است. آنچه ماهیت حقوقی ضمانت اجرای شرط اسقاط حق انجام معامله در شرکت های تجاری را متفاوت از غیر آن می سازد، وضعیت حقوقی، ملاحظات و رژیم حقوقی خاص حاکم بر شرکت های تجاری ناشی از جواز اعتماد اشخاص ثالث به اختیارات مدیران و اصل عمل به ظاهر است. باید دید در قانون تجارت فرانسه در مورد این شرط چه شرایطی در نظر گرفته شده است و معاملات مدیران با شرکت را تحت چه نظام حقوقی ای قرار داده شده است. بر این اساس، سه نوع معامله محتمل در شرکت های سهامی را بررسی می کنیم و اشخاص مشمول، تشریفات آن ها و ضمانت اجراها را بررسی خواهیم کرد و در نهایت به تحلیل این شروط می پردازیم. در این زمینه، به تطبیق و تحلیل حقوق ایران و فرانسه در این بخش ها می پردازیم.

۱- انجام معامله با شرکت یا سهام بودن در معامله

براساس ماده ۱۲۹ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷: «اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن ها باشند، نمی توانند

بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند؛ و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله، نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذی‌نفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور، حق رأی نخواهد داشت.» برای تحلیل دقیق تر این ماده، اشخاص و معاملات مشمول، تشریفات انجام معامله و ضمانت اجرای پیش بینی شده در آن را بررسی خواهیم کرد و در آخر شرط مهم مذکور در این ماده را تحلیل می‌کنیم. باید دانست که معاملات فوق می‌رساند که مدیرشرکت می‌تواند تحت شرایطی با شرکت وارد تجارت شود. (صقری، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۸) در خصوص این مورد، با توجه به اهمیتی که چنین معاملاتی چه به لحاظ حقوقی و شکلی دارد، پنج ماده در قانون تجارت فرانسه به آن‌ها اختصاص پیدا کرده است. در واقع، مواد ال. ۳۸-۲۲۵ تا ال. ۴۲-۲۲۵ که همگی اصلاحی سال ۲۰۰۱ میلادی است، در خصوص قواعد چنین معاملاتی است که در ادامه به فراخور موضوع به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۱- اشخاص و معاملات مشمول

ماده ۱۲۹ قانون تجارت ایران به شرحی که در بالا آمد، متضمن یک محدودیت مهم برای انجام معامله با شرکت یا به حساب شرکت است و آن این است که اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن‌ها باشند، نمی‌توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند.

پس اولاً اعضای هیئت مدیره خود شرکت و مدیرعامل آن که در مجموع می‌توان عنوان مدیران را بر آن‌ها اطلاق کرد، (پاسبان، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۸) مشمول محدودیت انجام معامله هستند. ثانیاً مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن‌ها باشند نیز دومین گروهی هستند که مشمول حکم ماده ۱۲۹ قرار می‌گیرند. پس اگر مدیران شرکت، در شرکتی دیگر شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل باشند، آن شرکت دوم یا موسسه در قلمرو حکم مزبور قرار می‌گیرد. با وجود این گستردگی، بسیاری از قراردادهایی را که شرکت مادر به شرکت‌های وابسته خود منعقد می‌کند، در بر می‌گیرد؛ چه در واقع، در شرکت‌های وابسته اغلب کسانی مدیرند که در شرکت مادر نیز دارای سمت مدیریت هستند. (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۵) همچنین باید در نظر داشت این حکم در مورد نمایندگان شخصیت حقوقی عضو هیئت مدیره، شخصاً اجرا می‌شود. در واقع، شخص حقوقی عضو هیئت مدیره باید براساس ماده ۱۱۰ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ نسبت به معرفی نماینده خود در شرکت اقدام کند و چنین نماینده‌ای، مشمول حکم ماده ۱۲۹ است؛ چرا که ماده ۱۱۰ صراحت دارد که چنین نماینده‌ای، مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزایی عضو هیئت مدیره است.

تمامی معاملاتی که به نام شرکت یا به حساب شرکت به طور مستقیم یا غیرمستقیم منعقد می شود، مشمول ماده ۱۲۹ و احکام مندرج در آن است. قانونگذار خواسته است با در نظر گرفتن قلمرو گسترده برای معاملات، همه انواع معاملاتی را که به نام شرکت یا به حساب شرکت انجام می شود، مشمول حکم واحد کند. همچنین معامله اگر به طور مستقیم یا حتی غیرمستقیم هم برای شرکت انجام شود، در حیطه ماده مزبور قرار می گیرد.

برابر ماده ال. ۳۸-۲۲۵ قانون تجارت فرانسه ۲۰۰۱: « هر معامله که به طور مستقیم یا از طریق غیر، میان شرکت و مدیرعامل، یکی از مدیران عامل، یکی از مدیران، یکی از سهامدارانی که دارای حق رای بیش از ۱۰ درصد، یا شرکت فرودست مذکور در ماده ال. ۳-۲۳۳ به عنوان سهامدار شرکت، منعقد شود، منوط به اجازه قبلی هیئت مدیره است. مقررات فوق در مورد قراردادهایی که یکی از اشخاص مذکور به طور غیرمستقیم در آن نفعی داشته باشد، نیز قابل اجراست. در معاملات میان شرکت و یک بنگاه اقتصادی هم که مدیرعامل، یکی از مدیران عامل نماینده یا یکی از مدیران شرکت، مالک، شریک ضامن، مدیر، عضو شورای نظارت یا به طور کلی اداره کننده آن بنگاه باشد، اجازه قبلی از هیئت مدیره لازم است.»^۱

وجه تشابه بین ماده مزبور از حقوق فرانسه و ماده ۱۲۹ قانون تجارت ایران این است که معاملات مستقیم یا غیرمستقیم را در بر می گیرد اما همانگونه که ملاحظه می شود، قلمرو قانون فرانسه در این مورد گسترده تر از قانون ایران است به نحوی که اشخاص مشمول بسیار بیشتر از حقوق ایران است. در ماده ال. ۳۸-۲۲۵ معاملات میان شرکت و مدیرعامل، یکی از مدیران عامل، یکی از مدیران، یکی از سهامدارانی که حق رای بیش از ۱۰ درصد دارد یا شرکت های فرودست را مشمول منع معاملاتی قرار داده است. ابتکاراتی در این ماده به چشم می خورد که یکی در مورد سهامدارانی است که بیش از ۱۰ درصد سهامدار هستند. در واقع، ممکن است این چنین سهامدارانی از موقعیت غالب و برتر خود سوء استفاده کنند و اقدام به انجام چنین معاملاتی نمایند. امری که از دید قانونگذار ایرانی مغفول مانده است. ابتکار دیگر، شرکت های فرودست است. ماده ال. ۳-۲۳۳ قانون مزبور اشعار می دارد: « برای اهداف بخش های ۲ و ۴ این فصل، هر شخصی، چه حقیقی و چه حقوقی، در موارد زیر بر دیگری کنترل دارد: ۱. وقتی که آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از سرمایه را در اختیار داشته باشند که به آنها اکثریت حق رأی در مجامع عمومی آن شرکت را می دهد؛ ۲. وقتی که آنها به تنهایی اکثریت حق رأی را در آن شرکت به موجب توافقی که با سایر شرکا یا سهامداران منعقد شده و مغایر با منافع شرکت نیست، در اختیار داشته باشند؛ ۳. وقتی که آن ها به طور مؤثر از طریق حق رأی خود، تصمیمات اتخاذ شده در مجامع عمومی آن شرکت را تعیین کنند؛ ۴. وقتی که آنها شریک یا سهامدار آن شرکت باشند و اختیار انتصاب یا عزل اکثریت اعضای نهادهای اداری، مدیریتی یا نظارتی آن شرکت را داشته باشند.

فرض بر این است که یک شرکت زمانی این کنترل را اعمال می کند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بیش از ۴۰٪ از حق رأی را در اختیار داشته باشد و هیچ شریک یا سهامدار دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم سهم بیشتری نداشته باشد.

¹ Toute convention intervenant entre une société et l'un de ses administrateurs ou directeurs généraux doit être soumise à l'autorisation préalable du conseil d'administration. Il en est de même des conventions auxquelles un administrateur ou directeur général est indirectement intéressé ou dans lesquelles il traite avec la société par personne interposée. Sont également soumises à autorisation préalable, les conventions intervenant entre une société et une entreprise, si l'un des administrateurs ou directeurs généraux de la société est propriétaire, associé indéfiniment responsable, gérant, administrateur, directeur général ou membre du directoire ou du conseil de surveillance de l'entreprise.

برای اهداف بخش‌های مشابه این فصل، دو یا چند نفر که به طور هماهنگ عمل می‌کنند، زمانی که به طور مؤثر تصمیمات اتخاذ شده در مجمع عمومی را تعیین می‌کنند، به عنوان افرادی در نظر گرفته می‌شوند که به طور مشترک شخص دیگری را کنترل می‌کنند.^۲ در واقع، اگر شرکتی با معیارهای مذکور در این ماده به عنوان سهامدار شرکتی دیگر باشد، نمی‌تواند در معاملات با شرکت اصلی وارد شود. چنین شرکتی دارای سهام کتلی در شرکت اصلی است؛ به نحوی که می‌تواند در تصمیمات شرکت اصلی مؤثر باشد. به همین علت قانونگذار اجازه انجام چنین معامله‌ای را نداده است.

فراز انتهایی ماده مزبور از قانون مدنی فرانسه که در مورد معاملات میان شرکت و یک بنگاه اقتصادی است که مدیرعامل، یکی از مدیران عامل نماینده یا یکی از مدیران شرکت، مالک، شریک ضامن، مدیر، عضو شورای نظارت یا به طور کلی اداره کننده آن بنگاه باشد، مشابه با قانون تجارت ایران است که برابر آن مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن‌ها باشند، نمی‌توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند.

البته یک استثنای مهم در ماده ال. ۳۹-۲۲۵ پیش بینی شده است که برابر آن: «مقررات ماده ال. ۳۸-۲۲۵ نسبت به قراردادهای راجع به عملیات جاری شرکت که در شرایط معمولی منعقد می‌شود، اعمال نمی‌گردد.»^۳ این حکم مهم در قانون تجارت ایران نیامده است. اما مقررده ای مهم است؛ چرا که وقتی معامله‌ای دارای مظنه روز بازار است، فرقی میان تهیه و انعقاد قرارداد با اشخاص مذکور در مواد یاد شده و سایر اشخاص نیست. در این شرایط نفع شرکت و سهامداران رعایت می‌شود. در واقع، قانونگذار فرانسوی نخواست است چنین معاملاتی باطل باشند.

۲-۱- تشریفات اطلاع رسانی و معامله

اگر مدیران یا مدیرعامل شرکت بخواهند به طور مستقیم یا غیر مستقیم در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود، طرف معامله قرار بگیرند یا سهم باشند، باید اجازه هیئت مدیره را در زمینه هر معامله به طور جداگانه داشته باشند. پس اجازه نمی‌توان کلی باشد. اگر هیئت مدیره چنین اجازه‌ای نداد، نمی‌تواند در معامله شرکت کنند و در صورتی

^۲ L. 233-3 ORDONNANCE n°2015-1576 du 3 décembre 2015 - art. 4 Legif. Plan Jp.Judi. Jp.Admin. Juricaf
I.- Toute personne, physique ou morale, est considérée, pour l'application des sections 2 et 4 du présent chapitre, comme en contrôlant une autre:

°^۱ Lorsqu'elle détient directement ou indirectement une fraction du capital lui conférant la majorité des droits de vote dans les assemblées générales de cette société;

°^۲ Lorsqu'elle dispose seule de la majorité des droits de vote dans cette société en vertu d'un accord conclu avec d'autres associés ou actionnaires et qui n'est pas contraire à l'intérêt de la société;

°^۳ Lorsqu'elle détermine en fait, par les droits de vote dont elle dispose, les décisions dans les assemblées générales de cette société;

°^۴ Lorsqu'elle est associée ou actionnaire de cette société et dispose du pouvoir de nommer ou de révoquer la majorité des membres des organes d'administration, de direction ou de surveillance de cette société.

II.- Elle est présumée exercer ce contrôle lorsqu'elle dispose directement ou indirectement, d'une fraction des droits de vote supérieure à 40 % et qu'aucun autre associé ou actionnaire ne détient directement ou indirectement une fraction supérieure à la sienne.

III.- Pour l'application des mêmes sections du présent chapitre, deux ou plusieurs personnes agissant de concert sont considérées comme en contrôlant conjointement une autre lorsqu'elles déterminent en fait les décisions prises en assemblée générale.

^۳ L. 225-39 : Les dispositions de l'article L. 225-38 ne sont applicables ni aux conventions portant sur des opérations courantes et conclues à des conditions normales ni aux conventions conclues entre deux sociétés dont l'une détient, directement ou indirectement, la totalité du capital de l'autre, le cas échéant déduction faite du nombre minimum d'actions requis pour satisfaire aux exigences de l'article 1832 du code civil ou des articles L. 225-1, L. 22-10-1, L. 22-10-2 et L. 226-1 du présent code.

که چنین اجازه‌ای از طرف هیئت مدیره به مدیرعامل و یا مدیران شرکت داده شد، باید بازرس شرکت از انجام چنین معامله‌ای یا سهام بودن در آن مطلع شود و بازرس نیز پس از اطلاع باید به نوبه خود اولین مجمع عمومی عادی را از انجام چنین معامله‌ای مطلع کند. هم هیئت مدیره شرکت و هم مجمع عمومی عادی می‌توانند با انجام این معامله مخالفت کنند. باید متذکر شد در هنگام تصمیم راجع به معامله در هیئت مدیره و مجمع عمومی شرکت، مدیر ذی‌نفع حق رأی ندارد.

در واقع ماده ۱۲۹ برای حمایت از سهامداران و اشخاص ثالث در برابر شرکت است و متضمن این فایده است که مدیران شرکت و مدیرعامل، هر اقدامی که خواستند نمی‌توانند انجام دهند، بلکه اگر در انجام معامله‌ای سهام باشند یا خودشان طرف معامله با شرکت باشند، باید اجازه هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی شرکت را داشته باشند. از آنجا که مدیران و مدیرعامل شرکت، رکن اجرایی شرکت‌ها به حساب می‌آیند و می‌توانند هر عملیاتی که بخواهند انجام دهند، قانونگذار انجام معامله با شرکت و یا سهام بودن در معامله‌ای را که توسط ایشان با شرکت می‌شود، نیازمند موافقت هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی دانسته است.

در ماده ۴۰-۲۲۵ قانون تجارت فرانسه در مورد تشریفات اطلاع رسانی و معامله است. براساس این ماده: « شخص ذی‌نفع، به محض انعقاد معامله موضوع ماده ال ۳۸-۲۲۵ باید هیئت مدیره را در جریان امر قرار دهد. در صورت اغماض، فرد مذکور حق رأی در تجویز قرارداد مزبور را ندارد. رئیس هیئت مدیره نیز بازرسان شرکت را از کلیه معاملات تجویز شده مطلع کرده و مراتب را به تایید مجمع عمومی می‌رساند. بازرسان شرکت نسبت به این معاملات گزارش ویژه‌ای تسلیم مجمع عمومی نموده تا با توجه به آن تصمیم لازم را اتخاذ کنند. شخصی ذی‌نفع در دادن رأی شرکت نمی‌کند و سهامی وی در تعیین حد نصاب تشکیل و اخذ رأی محاسبه نمی‌شود.»^۴ بنابراین، تشریفات مشابهی را در حقوق فرانسه و ایران در مورد تشریفات اعلام و انجام معامله مشاهده می‌کنیم؛ به نحوی که مرجع اولیه اتخاذ تصمیم در مورد چنین معاملاتی، هیئت مدیره شرکت است که در صورت موافقت هیئت مدیره، به اطلاع بازرسان شرکت می‌رسد و بازرسان نیز باید به نوبه خود گزارشی به مجمع عمومی عادی شرکت بدهند تا با توجه به آن در مورد چنین معاملاتی اتخاذ تصمیم کند. در رأی گیری مجمع عمومی، معامله کننده فاقد حق رأی خواهد بود؛ چرا که ممکن است میزان سهامی داشته باشد که بتواند در رأی گیری، نقش موثری ایفا کند و معامله مزبور را تایید و تنفیذ نماید. (Mestre & VELARDOCCIO, 2015, p. 126)

۳-۱- ضمانت اجراها

در دو ماده بعدی، یعنی مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷، فروض و شقوق مختلف موافقت یا مخالفت هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی اعلام شده است. اگر هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی معامله را تنفیذ کنند، این معامله صحیح است. اگر هیئت مدیره اجازه داده باشد اما مجمع عمومی عادی آن را تصویب نکند، معامله صحیح است

⁴ L. 225-40: La personne directement ou indirectement intéressée à la convention est tenue d'informer le conseil dès qu'elle a connaissance d'une convention à laquelle l'article L. 225-38 est applicable. Elle ne peut prendre part ni aux délibérations ni au vote sur l'autorisation sollicitée.

Le président du conseil d'administration donne avis aux commissaires aux comptes, s'il en existe, de toutes les conventions autorisées et conclues et soumet celles-ci à l'approbation de l'assemblée générale.

Les commissaires aux comptes ou, s'il n'en a pas été désigné, le président du conseil d'administration, présentent, sur ces conventions, un rapport spécial à l'assemblée, qui statue sur ce rapport.

La personne directement ou indirectement intéressée à la convention ne peut pas prendre part au vote. Ses actions ne sont pas prises en compte pour le calcul de la majorité.

ولی امکان اخذ خسارت وجود دارد و در حالت سوم هر دو نهاد معامله را تصویب نمی کنند که در این صورت چنین معامله ای قابل ابطال است. قواعد مربوط به این سه حالت را در ادامه به طور مفصل بررسی خواهیم کرد.

معاملات کاملاً صحیح: اگر هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی هر دو با این معامله موافقت کنند، آن معامله صحیح و معتبر است و در مقابل همگان و طرف معامله قابلیت استناد دارد. در واقع، اختیار موافقت در وهله اول با هیئت مدیره و در مرحله دوم با مجمع عمومی عادی است.

معاملات صحیح با قابلیت اخذ خسارت: اگر هیئت مدیره شرکت انجام معامله را تأیید کند اما مجمع عمومی عادی آن را تأیید نکند، براساس ماده ۱۳۰ همان قانون: «معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال، ولو آن که توسط مجمع عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است؛ مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد، جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذی نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده اند، که همگی آن ها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می باشند.» در واقع، به موجب ماده ۱۳۰، ضمانت اجرای عدم تأیید معامله با شرکت یا سهام بودن در معامله با شرکت توسط مجمع عمومی عادی، بطلان آن معامله نیست، بلکه آن معامله صحیح است و اگر در نتیجه آن معامله خسارتی به شرکت وارد شود، هیئت مدیره و معامله کننده (مدیرعامل یا مدیر شرکت) به صورت تضامنی مسئولیت پرداخت خسارت را دارند. اما اگر مدیر شرکت با شخص ثالث طرف معامله تبانی کرده باشد و یا مرتکب تدلیس و تقلبی شده باشد، آن معامله معتبر نیست و قابلیت ابطال از طرف شرکت دارد. قانونگذار در این ماده با توجه به حضور شخص ثالث با حسن نیت در معامله و براساس اصل اصالت ظاهر، انجام این چنین معامله ای را ولو به تأیید و تصویب مجمع عمومی یا هیئت مدیره شرکت نرسد، صحیح دانسته و ضمانت اجرای اخذ خسارت به طور تضامنی را پیش بینی کرده است. اجازه هیئت مدیره باید در جلسه هیئت مدیره و با توجه به شرایطی که قانون برای تشکیل جلسات هیئت مدیره و تصمیم گیری آن ها مقرر کرده است، صادر شود. (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۸)

معاملات قابل ابطال: در فرضی که هیئت مدیره آن معامله را تأیید نکرده باشد و معامله بدون اجازه هیئت مدیره انجام پذیرفته باشد و مجمع عمومی عادی نیز آن معامله را تأیید و تنفیذ نکند، آن معامله قابلیت ابطال خواهد داشت. این حکم و ترتیبات شکلی آن به این شرح در ماده ۱۳۱ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ آمده است. براساس این ماده: «در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد، هر گاه مجمع عمومی عادی شرکت آن ها را تصویب نکند، آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن، بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت دار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذی نفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله، در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذی نفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.»

نکاتی که در ماده ۱۳۱ وجود دارد به این شرح است: الف: اگر معامله ماده ۱۲۹ بدون اجازه هیئت مدیره انجام شده باشد ولی مجمع عمومی عادی آن معامله را تأیید کند، معامله صحیح است. (پاسبان، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۵) در واقع این مجمع عمومی عادی است که تصمیم نهایی را می‌گیرد. در صورتی که معامله بدون تأیید هیئت مدیره انجام شده باشد و عمومی نیز آن را تصویب نکند، معامله قابل ابطال است. در این مورد قانونگذار ضمانت اجرای بطلان را پیش بینی کرده است. طبق این ضمانت اجرا، در صورت عدم تأیید معامله توسط مجمع عمومی و نداشتن اجازه از هیئت مدیره، معامله قابل ابطال است. در واقع، در این فرض قانونگذار ضمانت اجرای خسارت را انتخاب نکرده است بلکه چون مجموع عمومی چنین معامله ای را تنفیذ نکرده است و بدون اجازه هیئت مدیره بوده است، معامله را قابل ابطال دانسته است. ب: مرور زمان طرح دعوی بطلان، سه سال از تاریخ انعقاد معامله یا کشف چنین معامله‌ای است.

در حقوق فرانسه، اگر هیئت مدیره چنین معامله ای را تنفیذ کند، آثار خود را نسبت به همه طرف ها خواهد داشت. اما اگر چنین معامله ای توسط هیئت مدیره به تصویب نرسد و اجازه قبلی اخذ نشده باشد، برابر ماده ۴۲-۲۲۵ در صورتی که آثار زیان باری برای شرکت داشته باشد، بدون اینکه از شخص ذی نفع سلب مسئولیت شود، ممکن است باطل اعلام شود. (Vidal, 2010, p. 198) در واقع، قانونگذار اجازه اعلام بطلان چنین معامله ای و اخذ خسارت از ذی نفع را همزمان پذیرفته است. مدت مرور زمان عوای بطلان چنین معاملاتی، ۳ سال از تاریخ انعقاد قرارداد یا کشف معامله است. درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی شرکت است که پس از استماع گزارش ویژه بازرس شرکت مشعر بر عدم رعایت شریفات لازم در تجویز آن با اخذ رای است. در تصمیم گیری مزبور، سهام دار معامله کننده حق رای نخواهد داشت.

اگر مجمع عمومی معامله مزبور را تنفیذ کند واجد آثار قانونی نسبت به همه طرف ها خواهد بود. ولی در صورت عدم تصویب، چنین معامله ای براساس ماده ال. ۴۱-۲۲۵ قانون تجارت فرانسه، آثار چنین معامله ای نسبت به اشخاص ثالث ایجاد می شود؛ مگر اینکه طرف معامله و شخص ثالث حيله و تقلبی به کار گرفته باشند. در صورت عدم احراز تقلب، خسارات وارده به شرکت نسبت به معامله تنفیذ شده، ممکن است به عهده شخص ذی نفع و احتمالاً سایر اعضای هیئت مدیره باشند. در واقع، احراز حيله و تقلب سهامدار با شخص ثالث و تنفیذ هیئت مدیره، باعث می شود اعضای موافق در هیئت مدیره با چنین معامله ای با شخص سهامدار ذی نفع، مسئولیت داشته باشند و دادگاه آن ها را به جبران خسارت به نفع شرکت محکوم کند، بدون اینکه معامله را باطل اعلام کند. (Jeantin, 1996, p. 69) البته در صورت احراز حيله و تقلب و ایجاد آثار زیان بار برای شرکت، امکان بطلان معامله و اخذ خسارت در ماده ال ۴۲-۲۲۵ پیش بینی شده است.

۴-۱- تحلیل ماهوی شرط

⁵ L. 225- 42 : Sans préjudice de la responsabilité de l'intéressé, les conventions visées à l'article L. 225-38 et conclues sans autorisation préalable du conseil d'administration peuvent être annulées si elles ont eu des conséquences dommageables pour la société.

L'action en nullité se prescrit par trois ans, à compter de la date de la convention. Toutefois, si la convention a été dissimulée, le point de départ du délai de la prescription est reporté au jour où elle a été révélée.

La nullité peut être couverte par un vote de l'assemblée générale intervenant sur rapport spécial des commissaires aux comptes ou, s'il n'en a pas été désigné, du président du conseil d'administration exposant les circonstances en raison desquelles la procédure d'autorisation n'a pas été suivie. Les dispositions du quatrième alinéa de l'article L. 225-40 sont applicables.

⁶ L. 225- 41 : Les conventions approuvées par l'assemblée, comme celles qu'elle désapprouve, produisent leurs effets à l'égard des tiers, sauf lorsqu'elles sont annulées dans le cas de fraude.

Même en l'absence de fraude, les conséquences, préjudiciables à la société, des conventions désapprouvées peuvent être mises à la charge de l'intéressé et, éventuellement, des autres membres du conseil d'administration.

آنچه در مواد یاد شده در حقوق ایران و فرانسه به عنوان حکم اولیه آورده شده است، نوعی اسقاط حق انجام معامله است. در واقع، این شرط به عنوان شرط نتیجه در ضمن قرارداد شرکت آورده شده است که به موجب آن اشخاص مشمول، نمی توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شود. حکم ماده مزبور، حکمی اولیه است که تنها در یک فرض با شرط اسقاط حق انجام معامله منطبق است و آن در حالتی است که هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی هر دو چنین معامله را اجازه نکنند که در این صورت به تصریح ماده ۱۳۱ قانون تجارت ایران و ماده ۴۲-۲۲۵ قانون تجارت فرانسه، آن معامله قابل ابطال خواهد بود. باید دانست که شرط در مرحله ایجاد اصولاً از عقد تبعیت می کند. (محمدی، جواهر کلام، جمالی، ۱۴۰۴، ص. ۸۳)

این اسقاط حق ویژگی هایی دارد که اولاً محدود به زمان مدیریت مدیران است؛ در نتیجه اسقاط جزئی حق محسوب می شود و منافاتی با ماده ۹۵۹ قانون مدنی ندارد؛ ماده ۹۵۹ قانون مدنی در همین رابطه بیان می کند: «هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.» دلیل اینکه قانونگذار سلب کردن حق تمتع یا اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را سلب کرده است این بوده که سلب کردن این نوع حقوق موجب ایراد خدشه به شخصیت معنوی انسان می شود. (امیری قائم مقامی، ۱۳۵۵، ص. ۱۲) در نتیجه براساس این ماده سلب حق تمتع از تمامی حقوق مربوط به شخصیت صحیح نیست (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۵، ص. ۳۰) لکن سلب حق اجرای بخشی از حقوق مربوط به شخصیت به طور جزئی از لحاظ زمانی صحیح است. مثل اینکه شخص از حق بر تصویر خود در یک بازه زمانی یک ماهه صرف نظر کند. اما برخی از حقوق مانند نام و نام خانوادگی به طور جزئی یا کلی قابل سلب کردن نیست. ثانیاً شرطی است که به موجب قانون به قرارداد شرکت تحمیل شده است و مدیران با حضور در شرکت آن را پذیرفته اند و امکان درج شرط خلاف آن وجود نخواهد داشت. (Guyon, 2003, p. 184) ماده ۱۵ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ در این مورد بیان می کند: «امضاء ورقه تعهد سهم بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می باشد.»

۲- ممنوعیت تحصیل وام یا اعتبار از شرکت و تضمین یا تعهد دیون مدیرعامل و اعضای

هیئت مدیره توسط شرکت

طبق ماده ۱۳۲ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷: «مدیرعامل شرکت و اعضای هیئت مدیره به استثنای اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به خودی خود باطل است. در مورد بانک ها و شرکت های مالی و اعتباری، معاملات مذکور در این ماده به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد، معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می باشد.» در واقع، قانونگذار با وضع این قاعده خواسته است از پرداخت وام به وسیله شرکت یعنی در واقع به وسیله اعضای هیئت مدیره به خود و اقوامشان که وسیله خوبی برای خالی کردن صندوق شرکت است، جلوگیری کند. (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۶) در قانون تجارت فرانسه، تنها یک ماده به موضوع اخذ وام و اعتبارات از شرکت اختصاص پیدا کرده است. ماده ۴۳-۲۲۵ این قانون در این

رابطه است و اشعار می دارد: «مدیران به استثنای اشخاص حقوقی، مجازت به کسب وام یا اعتبار از شرکت به هر شکلی که باشد، نخواهند بود. همینطور شرکت نمی تواند در مقابل اشخاص ثالث، ضامن پرداخت برون و اجرای سایر تعهدات مدیران باشد. این معاملات باطل و از درجه اعتبار خارج است. در صورتی که شرکت، یک موسسه بانکی یا مالی باشد، در خصوص عملیات جاری آن که در شرایط عادی صورت می گیرد، ممنوعیت فوق مجری نخواهد بود. این ممنوعیت نسبت به مدیرعامل، مدیران عامل نماینده و نمایندگان دائمی مدیران حقوقی و همچنین همسر، اسلاف و اخلاف افراد مخاطب این ماده و هر شخص واسط دیگر نیز قابل اجراست. وام های اعطایی شرکت که در اجرای مقررات ماده ال. ۱-۳۱۳ قانون ساخت و ساز مسکن به مدیران منتخب کارگران داده می شود، مشمول ممنوعیت های فوق نخواهد بود.»^۷ در ادامه از اشخاص و معاملات مشمول و ضمانت اجرای ماده مزبور صحبت خواهیم کرد و در نهایت ممنوعیت این ماده را بررسی می کنیم.

۲-۱- اشخاص مشمول

قلمرو اشخاص مشمول در مواد مزبور از قانون تجارت ایران و فرانسه مشابه با یکدیگر است. براساس این مواد، مدیرعامل شرکت و اعضای هیئت مدیره آن و نماینده شخص حقوقی و همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور مشمول ممنوعیت هستند. در واقع، با توجه به نفوذ و قدرت عملی که این اشخاص در شرکت دارند، ممکن است از حضور خود در شرکت و قدرتی که دارند، سوء استفاده کنند و وام یا اعتباری از شرکت برای خود یا بستگان خود دریافت نمایند یا بخواهند شرکت دیون آن ها را تضمین و تعهد کند. برای همین قانونگذار چنین اعمالی را ممنوع کرده است. ممنوعیت موضوع ماده ۱۳۲ با توجه به اطلاق ماده مذکور هم شامل مدیران موظف و هم شامل مدیران غیرموظف می شود. (فرحناکیان، ۱۳۹۵، ص. ۸۰۰) مواد یاد شده حاوی دو استثنای مهم است: اولین استثنا در مورد اشخاص حقوقی سهامدار یا مدیر شرکت است. خود این اشخاص حقوقی - نه نمایندگان ایشان - می توانند از شرکت وام بگیرند یا اعتباری دریافت کنند یا شرکت دیون و تعهدات ایشان را تضمین و تعهد کند. همچنین در شرایطی که شرکت، بانک ها یا از جمله شرکت های مالی و اعتباری باشد، انجام معاملات این ماده به شرط رعایت قیود و تعهدات معمول بانکی صحیح است. برای نمونه اگر شرکت، بانک باشد و در امور بانکی فعالیت کند، می تواند به مدیران خود وام دهد یا دیون آن ها را تضمین و تعهد نماید؛ به شرط آن که شرایط و قیود عمومی بانکداری را رعایت کند. (Didier, 2019, p. 624) همچنین در ماده مزبور از قانون تجارت فرانسه، استثنای دیگری نیز پیش بینی شده است که اعطای وام به مدیران منتخب کارگران در اجرای قانون ساخت و ساز مسکن است. این شرط را اینگونه توجیه کرده اند که حق مسکن، از حقوق اصلی کارگران و مدیران منتخب آن هاست و لذا در محدوده محدودیت های قانونی قرار نمی گیرد. (Gibirila, 2024, p. 236)

⁷ L. 225-43: A peine de nullité du contrat, il est interdit aux administrateurs autres que les personnes morales de contracter, sous quelque forme que ce soit, des emprunts auprès de la société, de se faire consentir par elle un découvert, en compte courant ou autrement, ainsi que de faire cautionner ou avaliser par elle leurs engagements envers les tiers.

Toutefois, si la société exploite un établissement bancaire ou financier, cette interdiction ne s'applique pas aux opérations courantes de ce commerce conclues à des conditions normales.

La même interdiction s'applique au directeur général, aux directeurs généraux délégués et aux représentants permanents des personnes morales administrateurs. Elle s'applique également au conjoint, ascendants et descendants des personnes visées au présent article ainsi qu'à toute personne interposée.

۲-۲- معاملات مشمول

در قانون تجارت ایران و فرانسه، دو نوع معامله در این ماده مشمول قید ممنوعیت شده است. اولین گروه این معاملات، تحصیل وام یا اعتبار از شرکت است و گروه دوم تضمین یا تعهد دیون مدیران شرکت است. با توجه به اینکه قانونگذار در این دو نوع معامله، زیان زیادی را متصور دیده است، قید ممنوعیت را برای آن وضع کرده است. همچنین، انجام چنین معاملاتی به ضرر سایر سهامداران خواهد بود؛ چرا که ممکن است اشخاص مشمول این ماده هیچگاه وام یا اعتبار را بازنگردانند و دیون خود را نپردازند و شرکت به موجب رای دادگاه، محکوم به پرداخت شود.

۲-۳- ضمانت اجرا

معاملات مذکور در ماده ۱۳۲، به جز مواردی که به عنوان استثنا ذکر شده است، باطل هستند و هیچ اثری بر آن ها بار نمی شود. پس این اعمال به خودی خود و بدون نیاز به هیچگونه تشریفات باطل هستند. (پاسبان، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۸) زیر تحقق آن ها برای شرکت بسیار خطرناک است. (فرحناکیان، ۱۳۹۵، ص. ۷۹۷) البته از جهت عملی، چنانچه شخص ذی نفع به آثار بطلان کردن ننهد، اعلان بطلان مذکور در ماده بالا بایستی از دادگاه ذی صلاح خواسته شود تا آثار عملی حقوقی خود را بر جای بگذارد. (همان) پس از اینکه معاملات مذکور باطل شد، وام یا اعتبار بازگردانده می شود و دین و تعهدی که تضمین شده است، در حکم دین بدون تضمین است. این سوال مطرح شده است که اگر علیرغم ضمانت اجرای بطلان که در ماده مزبور پیش بینی شده است، مجمع عمومی معاملات ماده ۱۳۲ را به اتفاق آراء تصویب کند، آیا باز هم چنین عمل حقوقی به خودی خود باطل است؟ یکی از حقوقدانان معتقد است دو نظر را مطرح کرده است. ایشان معتقد است با توجه به آمره بودن مقررات مزبور و اینکه معامله منعقد به خودی خود باطل است، در نتیجه هر گونه تنفیذ بی اثر بوده و نمی تواند عمل حقوقی از پیش باطل شده را اعتبار ببخشد. ایشان این دیدگاه را نپذیرفته اند و بر این اعتقاد است که مقنن نسبت به منافع مادی اشخاص در روابط معاملاتی و خصوصیشان دلسوزتر از خود ایشان نیست. بنابراین علیرغم ناسازگاری با ظاهر ماده ۱۳۲ مرقوم، تصویب چنین عملی به آن اعتبار می بخشد. (پاسبان، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۹)

۲-۴- تحلیل ماهوی شرط

این ماده در خصوص ممنوعیت مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت برای دریافت وام یا اعتبار از شرکت و نیز تصمیم یا تعهد دیون آن ها توسط شرکت حاوی حکم کلی ممنوعیت است. قانونگذار با در نظر گرفتن این که ممکن است اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکت از اختیارات و قدرت خود سوءاستفاده کنند و از شرکت وام یا اعتبار دریافت کنند و یا شرکت را ضامن دیون خود قرار دهند، انجام این اعمال را خودبه خود باطل دانسته و اثری به این گونه اعمال حقوقی بار نکرده است. چنین شرطی، به محض خرید سهام شرکت به عنوان شرط نتیجه به مدیران آن تحمیل می شود و پس از آن، اشخاص مشمول از انجام معاملات مذکور ممنوع است. در واقع، چنین اسقاط حقی به شکل محدود در دوره زمانی مدیریت مدیر وجود دارد و قبل یا بعد از آن را در بر نمی گیرد و در نتیجه تعارضی با ماده ۹۵۹ قانون مدنی ندارد.

۳- انجام معامله مشابه با معاملات شرکت توسط مدیران و مدیرعامل

در ماده ۱۳۳ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ می‌خوانیم: «مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد، مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت.» اشخاص و معاملات مشمول و ضمانت اجرای انجام معاملات مذکور در این ماده و تحلیل شرط پیش بینی شده در ماده مرقوم، می‌تواند حدود اجرای مقررات ماده ۱۳۳ را مشخص نماید که در ادامه بررسی می‌شود. ممنوعیت مطلق رقابت با شرکت از اصول همسویی بین شریکان در شرکت های تجاری نشئت می‌گیرد. (صقری، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۱) منظور قانونگذار از وضع قاعده منع رقابت تجاری مدیر با شرکت، بی‌تردید حفظ سلامت اداره شرکت بوده است؛ زیرا مدیران از اطلاعات موجود در شرکت آگاهی دارند و ممکن است در معاملات شخصی خود با اشخاص ثالث از این اطلاعات استفاده کنند و وضع شرکت را به مخاطره اندازند. (فرحناکیان، ۱۳۹۵، ص. ۸۰۰)

در قانون تجارت فرانسه، مقررۀ مشابهی را نمی‌بینیم که صراحتاً به قواعد منع رقابت مدیران با شرکت پرداخته باشد. (MAGNIER, 2019, p. 120) اما رویه قضایی فرانسه صراحتاً این امر را مورد پذیرش قرار داده است. منع رقابت مدیران با شرکت از وظیفه وفاداری مدیر، یعنی پیگیری منافع شرکت و جلوگیری از تضاد منافع، ناشی می‌شود. (Messai-Bahri, 2005, p. 122) تعهد به وفاداری نسبت به شرکت به طور کلی در حکم صادره از سوی اتاق بازرگانی دیوان محاسبات^۸ در ۲۷ فوریه ۱۹۹۶ (پرونده ویلگرین)^۹ مورد تأکید قرار گرفت. در این پرونده، رئیس یک شرکت سهامی عام به همراه سه نفر از نزدیکانش، سهام یکی از سهامداران شرکت خود را خریداری کرده بود. چند روز بعد، او این سهام را دوباره فروخت و سود سرمایه قابل توجهی به دست آورد. دیوان محاسبات حکم داد که رئیس، وظیفه وفاداری که بر عهده مدیر شرکت است را نسبت به همه سهامداران نقض کرده است. موارد کاربرد این تعهد متعدد است. نقض آن می‌تواند تخلف جدی محسوب شود و مدیر را از دریافت حقوق بازنشستگی قراردادی خود محروم کند.^{۱۰}

حکم دوم همان دادگاه در رابطه با وظیفه وفاداری مدیر نسبت به شرکت است.^{۱۱} اولین تکلیف رعایت وفاداری مدیر نسبت به شرکت، بر تعهد عدم رقابت استوار است و او را از انجام هرگونه فعالیتی که با آن رقابت می‌کند، منع می‌کند. در این پرونده، مدیر عامل یک شرکت استعفا داده و یک شرکت رقیب ایجاد کرده و چندین نفر از کارمندان سابق خود را استخدام کرده بود. دادگاه تجدیدنظر حکم داد که مدیر سابق موظف به وظیفه وفاداری به شرکت خود است و حکم به پرداخت خسارت صادر کرد. شکل دیگری از وظیفه وفاداری مدیر به شرکت زمانی وجود دارد که مدیر، شرکت را موظف به پرداخت بدهی‌های شخصی خود می‌کند که انجام این عمل، در چارچوب جرم سوءاستفاده از دارایی‌های شرکت، قرار می‌گیرد. (Constantin, 2019, p. 98)

در عمل، این وظیفه وفاداری می‌تواند در قالب شرط در قرارداد با مدیر گنجانده شود؛ چنین توافقی می‌تواند اصل احترام به منافع شرکت را که بر منافع شرکا اولویت دارد، مدنظر قرار دهد.

^۸ Com. 27 fevr. 1996. Joly 1996. 485.

^۹ Affaire Vilgrain

^{۱۰} Com. 8 fevr. 2017, no 15-17904, Rev. sociétés 2017, 290.

^{۱۱} Com. 5 avr. 2018, no 16-23365.

۳-۱- اشخاص و معاملات مشمول

به علت آن که مدیران و مدیرعامل شرکت از اسرار تجاری و کیفیت و چگونگی معاملاتی که در شرکت می شود اطلاع دارند، ممکن است معاملاتی مشابه با شرکت انجام دهند، به نحوی که باعث رقابت با شرکت شود. برای جلوگیری از چنین اعمالی، ماده ۱۳۳ این اشخاص را از انجام معامله مشابه با شرکت منع کرده است. پس قلمرو این ماده گسترده است و شامل تمامی مدیران شرکت می شود. به نظر می رسد باید گفت که مدیران فعلی شرکت امکان انجام معاملات مشابه را ندارند و مدیران قبلی بتوانند چنین کاری را انجام دهند. هر چند اگر مبنای ماده را در نظر بگیریم که همان اطلاع از اسرار تجاری شرکت است، مدیران سابق را باید مشمول حکم بدانیم. این ماده شامل تمامی معاملات می شود و فرقی در نوع معامله قائل نشده است. کلیه عملیات بین شرکت و اشخاص مشمول کنترل، تابع تشریفاتی کنترل خواهد بود و موضوع قرارداد موثر در مقام نیست. موضوع قرارداد ممکن است بیع، کار، حمل و نقل، یا بیمه باشد که از قراردادهای شایع است. (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۷)

۳-۲- ضمانت اجرا

مدیری که معامله مشابه با شرکت انجام دهد، طبق این ماده، به پرداخت خسارت ناشی از رقابت مشابه با شرکت می شود. قانونگذار هیچگونه ضمانت اجرایی جهت ابطال چنین معامله ای مقرر نداشته و صرفاً مدیر متخلف را مشمول جبران زیان های وارد بر شرکت تلقی نموده است. (باسیان، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۷) در این ماده قانونگذار براساس قاعده عمومی نظریه تقصیر را پذیرفته و در واقع باید ثابت شود که در نتیجه رقابت مشابه مدیر با شرکت ضرری به شرکت وارد شده است تا مدیر مسئول پرداخت خسارت باشد و نه صرف انجام معامله متضمن رقابت با شرکت. (همان) مفهوم ضرر در انتهای ماده ۱۳۳ توسعه داده شده و شامل ورود خسارت و یا تقویت منفعت می شود. البته در متن ماده از عبارت «تقویت منفعت» استفاده شده، ولی اصطلاح صحیح همان «تقویت منفعت» به معنای از دست رفتن منافع است و به نظر می رسد در این بخش از ماده اشتباهی تایپی رخ داده است. (جوهر، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۹)

۳-۳- تحلیل شرط

با توجه به ضمانت اجرایی که در ماده ۱۳۳ آمده است، این شرط اصولاً به عنوان شرط اسقاط حق انجام معامله شناخته نمی شود و سلب حق حتی به طور جزئی نیست؛ چرا که قانونگذار معامله خلاف این شرط را معتبر دانسته و مدیری که برخلاف قواعد رقابت اقدام به انجام چنین معامله ای کند، صرفاً از لحاظ مدنی مسئول جبران خسارت دانسته است. بنابراین، شرط عدم انجام معامله مشابه با شرکت در طول دوره مدیریت مدیران، براساس ماده ۱۳۳ فاقد ضمانت اجراست و به نفس اشتراط حاصل نمی شود. برای اینکه مدیران شرکت در طول دوره فعالیت خود نتوانند با شرکت معامله مشابه انجام دهند، پیشنهاد می شود که در اساسنامه شرکت چنین شرطی به عنوان شرط ضمن عقد پیش بینی شود تا امکان بطلان معامله مشابه وجود داشته باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

مقررات مربوط به اسقاط حق انجام معامله مدیران با شرکت در شرکت های سهامی در مواد ۱۲۹ و ۱۳۲ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ مدنظر قرار گرفته است. در ماده ۱۲۹ قانون مزبور مدیران شرکت و موسسات و شرکت هایی که مدیران شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آن باشند، نمی توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب آن می شود، به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله یا سهام شوند. پس از عضویت در شرکت تجاری این حکم قانونی به شرکا تحمیل می شود که در تحلیل نهایی این نتیجه حاصل شد که حکم ماده ۱۲۹، حکم اولیه است که با شرط اسقاط حق انجام معامله در یک فرض منطبق است و آن در صورتی است که هیئت مدیره و مجمع عمومی عادی آن معامله را اجازه نکند که در این صورت به تصریح ماده ۱۳۱، آن معامله قابل ابطال خواهد بود. در سایر فروض این معامله صحیح است و امکان اخذ خسارت وجود دارد؛ پس اساساً با شرط مزبور انطباقی ندارد. مورد دیگر بر اساس ماده ۱۳۲ قانون یاد شده، منطبق با شرط اسقاط حق انجام معامله است؛ بنابراین اگر اشخاص مشمول ماده ۱۳۲ وام یا اعتباری از شرکت دریافت کنند یا شرکت دیون و تعهدات آن ها را تضمین نماید، اینگونه معاملات خود به خود باطل هستند و اثری به آن ها بار نمی شود. در مواد ال. ۳۸-۲۲۵ تا ۴۳-۲۲۵ قانون تجارت فرانسه اصلاحی سال ۲۰۰۱ را به چنین معاملاتی و ضمانت اجرای آن اختصاص داده است. مقررات میان دو کشور، حاوی قواعد یکسان و مشابهی است اما قواعد مربوط به منع رقابت با شرکت در حقوق تجارت فرانسه پیش بینی نشده است و رویه قضایی این کشور، شرط مزبور را ذیل عنوان کلی وفاداری به شرکت آورده است که ممکن است ضمانت اجرای محرومیت، جبران خسارت یا کیفری برای مدیر به همراه داشته باشد. ممنوعیت مدیران حقیقی و حقوقی شرکت از انجام معامله با شرکت یا سهام بودن در معاملاتی که با شرکت شود، باعث تضمین حقوق سهامداران شرکت می گردد. لازم است این ممنوعیت به طور کلی به عنوان شرط اسقاط حق انجام معامله پیش بینی شود، در هر صورت چنین معامله ای باطل اعلام شود مگر اینکه همه اعضای مجمع عمومی شرکت آن را بپذیرند که در این صورت نفع عقلایی آن معامله مورد تایید همه اعضای مجمع عمومی قرار می گیرد. اما به نظر می رسد معاملاتی را که دارای مظنه روز و بازاری هستند، بتوان از قلمرو این ماده جدا کرد. همچنین، ممنوعیت اخذ وام یا اعتبار یا تضمین تعهد یا وام توسط شرکت نسبت به مدیران با قید ممنوعیت، باطل اعلام شده است؛ ممکن است در برخی موارد این نوع معاملات دارای نفع عقلایی برای شرکت باشد که پیشنهاد می شود در قانون تجارت پیش بینی شود در صورت تایید همه اعضای مجمع عمومی معامله مذکور صحیح باشد.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Early Version | Not Copyedited

فهرست منابع:

الف: منابع فارسی

۱. اسکینی, ر. (۱۳۸۵). حقوق تجارت: شرکت های تجاری. تهران: سمت.
۲. امامی, س. (۱۳۸۶). حقوق مدنی (در اموال, مالکیت, حق انتفاع, حق ارتفاق, تعهدات به طور کلی, بیع و معاوضه). تهران: اسلامیه.
۳. امیری قائم مقامی, ع. (۱۳۵۵). حقوق تعهدات. تهران: دانشگاه تهران.
۴. پاسبان, م. (۱۳۸۹). حقوق شرکت های تجاری. تهران: سمت.
۵. تفرشی, م., اصغری آق مشهدی, ف. (۱۳۸۵). ماهیت حقوقی رابطه مدیران شرکت های سهامی با شرکت. مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
۶. سلیمانزاده, سمیرا. (۱۴۰۴). شخصیت حقوقی, تاریخچه, مبانی و آثار, با تاکید بر بررسی تطبیقی شرکت های تجاری در نظام حقوقی ایران و حقوق نوشته (فرانسه و آلمان). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی, ۸(۲۶), ۷۹-۱۰۶. doi: 10.22034/law.2025.2045235.1480
۷. محمدی, قاسم, جواهرکلام, محمد هادی و جمالی, مرتضی. (۱۴۰۱). تأثیر «بطلان» و «انحلال» عقد بر شرط ضمن آن؛ تدارک قاعده برای «استقلال شرط از عقد» از منظر حقوق اسلامی و رویه قضایی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی, ۵(۱۷), ۸۳-۱۱۶. doi: 10.22034/law.2021.533203.1088
۸. جوهر, س. (۱۳۹۹). حقوق شرکت های تجاری. تهران: جاودانه.
۹. حبیبی, م. (۱۳۸۲). حقوق مدنی تحلیلی. تهران: میزان.
۱۰. حسن زاده, م. (۱۳۹۰). آثار ید امانی در معاملات مدیران شرکت های تجاری. ماهنامه کانون وکلا.
۱۱. شهیدی, م. (۱۳۸۷). حقوق مدنی ۴ - شروط ضمن عقد. تهران: مجد.
۱۲. صالحی, ن., مهرگان, ب., رضایی فومنی, ا. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی نقش و جایگاه مدیران در شرکت های سهامی در حقوق ایران و انگلستان. پژوهش های تطبیقی فقه, حقوق و سیاست, ۲۵۰-۲۶۸.
۱۳. صفایی, س., قاسم زاده, س. (۱۳۸۵). حقوق مدنی, اشخاص و محجورین. تهران: سمت.
۱۴. صقری, م. (۱۳۹۳). حقوق بازرگانی, شرکت ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. فرحناکیان, ف. (۱۳۹۵). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.

ب: منابع فرانسه

16. Constantin, A. (2019). Droit des sociétés. Paris : Dalloz.
17. Didier, P. (2019). Droit commercial. Paris : Economica.
18. Gibirila, D. (2024). Droit des sociétés. Paris : Ellipses.
19. Guyon, Y. (2003). Droit des affaires. Droit commercial général et sociétés. Paris : Economica.
20. Jeantin, M. (1996). Droit des sociétés. Paris : Montchrestien.
21. MAGNIER, V. (2019). Droit des sociétés. Paris : Dalloz.
22. Messai-Bahri, S. (2005). La responsabilité civile des dirigeants sociaux. Paris : le Cannu.
23. Mestre, J., & VELARDOCCIO, D. (2015). sociétés commerciales. Paris : Lamy.
24. Vidal, D. (2010). Droit des sociétés. Paris : LGDJ.

References

1. Amiri Ghaem-Maghami, A. (1976). Law of obligations. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
2. Constantin, A. (2019). Company Law. Paris: Dalloz. (in French)
3. Didier, P. (2019). Commercial Law. Paris: Economica. (in French)
4. Emami, S. (2007). Civil Law (in property, ownership, usufruct, easement, obligations in general, sale and exchange). Tehran: Islamiyeh. (in Persian)
5. Eskini, R. (2006). Commercial Law: Commercial Companies. Tehran: Samt. (in Persian)
6. Farahnakian, F. (2016). Commercial law in the current legal system. Tehran: Mizan. (in Persian)
7. Gibrila, D. (2024). Company Law. Paris: Ellipses. (in French)
8. Guyon, Y. (2003). Business Law. General Commercial Law and Companies. Paris: Economica. (in French)
9. Habibi, M. (2003). Analytical Civil Law. Tehran: Mizan. (in Persian)
10. Hassanzadeh, M. (2011). The effects of trust in the transactions of managers of commercial companies. Monthly magazine of the Bar Association. (in Persian)
11. Jeantin, M. (1996). Company Law. Paris: Montchrestien. (in French)
12. Johar, S. (2010). Commercial Companies Law. Tehran: Javedaneh. (in Persian)
13. Magnier, V. (2019). Company Law. Paris: Dalloz. (in French)
14. Messai-Bahri, S. (2005). The Civil Liability of Company Directors. Paris: Le Canu. (in French)
15. Mestre, J., & Velardocchio, D. (2015). Commercial Companies. Paris: Lamy. (in French)
16. Mohammadi, Ghasem, Javaher Kalam, Mohammad Hadi and Jamali, Morteza. (1401). The effect of "nullity" and "dissolution" of a contract on its condition; providing a rule for "independence of condition from contract" from the perspective of Islamic law and judicial practice. Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 5(17), 83-116. Doi: [10.22034/law.2021.533203.1088](https://doi.org/10.22034/law.2021.533203.1088) (in Persian)
17. Pasban, M. (2009). Commercial Companies Law. Tehran: Samt. (in Persian)
18. Safaei, S., Ghasemzadeh, S. (2006). Civil law, individuals and disabled persons. Tehran: Samt. (in Persian)
19. Salehi, N., Mehregan, B., Rezaei Foumani, A. (1403). A comparative study of the role and position of managers in joint-stock companies in Iranian and English law. Comparative research on jurisprudence, law and politics, 250-268. (in Persian)
20. Saqri, M. (2014). Commercial law, companies. Tehran: Publishing Company. (in Persian)
21. Shahidi, M. (2008). Civil Law 4 - Conditions in the Contract. Tehran: Majd. (in Persian)
22. Soleimanzadeh, Samira. (1404). Legal personality, history, foundations and works, with emphasis on a comparative study of commercial companies in the Iranian legal system and written law (France and Germany). Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 8(26), 79-106. doi: [10.22034/law.2025.2045235.1480](https://doi.org/10.22034/law.2025.2045235.1480) (in Persian)
23. Tafreshi, M., Asghari Aq-Mashadi, F. (2006). Legal nature of the relationship between joint-stock company managers and the company. Journal of the Faculty of Administrative Sciences and Economics. (in Persian)
24. Vidal, D. (2010). Company Law. Paris: LGDJ. (in French)

A Comparative Study of the Condition of Waiver of Certain Transactions in Joint Stock Companies in Iranian and French Law

Abstract

One of the pillars of joint-stock companies, like other companies, is the company's managers. Their main duty is to maintain trust and respect the interests of all shareholders. In this regard, Articles 129 and 132 of the amended Commercial Law of 1347 regarding joint-stock companies prohibit the managers of these companies from conducting certain transactions with the company and also consider performance guarantees for conducting those transactions. Conducting transactions by managers with a joint-stock company can be considered one of the most important examples of the condition of waiving the right to conduct a transaction in part. The first example is the transactions of the members of the board of directors and the CEO of the company, as well as institutions and companies in which the members of the board of directors or the CEO of the company are partners or members of the board of directors or CEO, which is foreseen in Article 129 of the amended Commercial Law of 1347. The second example mentioned in the aforementioned law is the prohibition of obtaining loans or credit from the company and guaranteeing or committing the debts of the CEO and members of the board of directors by the company, which is mentioned in Article 132 of this law, and the third example is the execution of a similar transaction with the company by the directors and CEO that involves competition with the company's operations. We also see similar provisions in French law. The French legislator has also dedicated Articles L. 38-225 to 43-225 of the amended Commercial Code of 2001 to such transactions and their guarantees. Accordingly, the subject of this article is to analyze the nature of these conditions and their enforcement guarantees in the laws of the countries in question, and it addresses this issue using a library method and a comparative-analytical study.

Keywords: waiver of rights, non-compete, right to transact, similar transaction with the company.